

انقلاب اسلامی ایران و خلق بی نهایت فرصت اقتصادی

● بهنام ملکی*

چکیده

انقلاب ایران به منزله گسستن یک رشته وابستگی به جهان خارج و خلق ثروت بود.

رهایی از سلطه خارجی و تصمیم‌گیری براساس منافع خود، از شعارهای محوری مردم در زمان پیروزی انقلاب اسلامی به شمار می‌رود.

قبل از انقلاب فروش نفت به شکل خام شرایط را به گونه‌ای ایجاد کرده بود که نهادهای خارجی تصمیم‌گیرنده اصلی بودند. سازمان سیا با ملی شدن صنعت نفت و در خطر دیدن منافع خود سریعاً زمینه را برای سقوط حکومت دکتر مصدق فراهم کرد. اما پیروزی انقلاب باعث پیدایش یک اعتماد به نفس ملی در کشور شد که این اراده یکی از ارکان محوری توسعه اقتصادی کشور به حساب می‌آید.

هنوز زمان زیادی از پیروزی انقلاب نگذشته بود که جنگ طولانی با عراق از سوی کسانی که منافع خود را در خطر دیدند، بر ما تحمیل شد که به دنبال آن بخش‌های مهمی از منابع کشور به هدر رفت. البته با تلاش بی‌وقفه ملت ایران این جنگ تحمیلی نیز نتوانست خدشه‌ای به توانمندی و باورهای آنها وارد سازد. بار دیگر آمریکا با تحریم‌های مختلف سعی در بی‌ثباتی اقتصاد کشور داشت اما گرما و حرارت انقلاب مانع از فشارهای خارجی شده و اثر آن را بر پیگیر اقتصاد کشور کاهش داد.

در مورد دستاوردهای اقتصادی انقلاب اسلامی باید گفت: با گذشت تنها

یک ربع قرن از زمان پیروزی انقلاب و با پشت سر گذاشتن شرایط و موانع مختلف و سخت، ایران امروزه در شرایطی است که در امور مختلف اقتصادی سربلند و در دنیای صنعتی امروزه، حرفی برای گفتن دارد.

سرانجام با توجه به اینکه انقلاب اسلامی ایران فرصتهای طلایی تولید ثروت را در اختیار مردم قرار داده است، چنانچه از این فرصتها به نحو مطلوب و با تدبیر شایسته استفاده شود، امید آن می‌رود که در آینده ایران در شمار کشورهای توسعه یافته قرار گیرد.

* * *

انقلاب شکوهمند اسلامی ایران دایرةالمعارفی جامع از انقلاب‌های هدفمند و هوشمند انسانی و بشری و مجموعه‌ای توسعه‌ساز و ترکیبی از بی‌نهایت فرصت اقتصادی و استخراج ارزش افزوده از مختصات چهارگانه «عرض، طول، عمق و ارتفاع یا فضای» سرزمین کشورمان است. این انقلاب در حوزه اقتصادی از فرضیه خلق بی‌نهایت فرصت اقتصادی بهره برد زیربنایی‌ترین اصل برای هر گونه برنامه‌ریزی توسعه، پیشرفت و رشد «داشتن قدرت برنامه‌ریزی و مدیریت خوداتکای منابع و عوامل توسعه و تولید» می‌باشد. متأسفانه امروزه عمده کشورهای دنیا به ویژه اکثریت کشورهای جهان سوم از اختیارات و قدرت کامل و توان مدیریتی خوداتکا و خودکفا برخوردار نیستند و نمی‌توانند سرنوشت اقتصادی و توسعه خود را تعیین کنند.

ادامه این روند، فاصله توسعه‌یافتگی یا عقب‌ماندگی کشورهای جهان سومی یا در حال توسعه را از حالت «شکاف نسبی» به حالت «شکاف مطلق و غیرقابل ترمیم» تغییر داده است. این روند امروزه در بسیاری از اقتصادهای سیاسی به یک «فرایند» تبدیل شده است. این کشورها در بهترین و خوشبینانه‌ترین حالت اگر از قدرت قطعی اقتصادی بالاتری برخوردار باشد به دلیل پیوند یکطرفه با اقتصادهای صنعتی و چندملیتی نمی‌توانند به طور کامل، منابع و عوامل توسعه و تولید را مدیریت کنند.

عنوان اقتصادهای درجه دوم و مدیریت غیرتوسعه‌ای و وابسته به این اقتصادها اطلاق می‌شود و در موفق‌ترین حالت می‌توانند به «توسعه مقید» یا «پیشرفت مقید» برسند و به حیات خلوت اقتصادی‌های درجه یک تبدیل شوند.

به همین خاطر شانس توسعه، پیشرفت و رشد پایه در اختیار کشورهای است که

۲۷۰ در حوزه اقتصادی از خوداتکایی و اختیار کامل در مدیریت منابع و عوامل و هُنر استخراج ارزش افزوده اقتصادی برخوردار می‌باشند.

اوج ارزشمندی پیروزی انقلاب اسلامی ایران در حوزه اقتصاد به هدیه استقلال اقتصادی و واگذاری مدیریت منابع و عوامل اقتصادی در مختصات چهارگانه به ایرانیان اختصاص دارد هر چند این بخش نیز مظلوم مانده است و تا کنون به استثنای گزارشات اداری کمتر کارشناس اقتصادی یا سیاسی زحمت تحلیل و بررسی آثار، ارمغان‌ها و پیامدهای اقتصادی انقلاب اسلامی را متقبل شده است.

«هم‌سنجی» مدیریت اقتصادی و منابع تولیدی در مختصات اقتصاد فضای کشورمان به کشورهای منطقه و در حال توسعه نشان می‌دهد که خوشبختانه ایران با پیروزی انقلاب اسلامی از قویترین و اثربخش‌ترین استقلال اقتصادی برخوردار شد. مقایسه با موضوع ملی شدن صنعت نفت در تاریخ اقتصاد سیاسی ایران این حقیقت را ثابت می‌کند.

در ملی شدن صنعت نفت که به هر حال جایگاه خود را در تاریخ اقتصاد سیاسی ایران تثبیت کرده است، فقط قدرت ظاهری بهره‌برداری از منابع نفتی در اختیار کشورمان قرار گرفت.

البته متأسفانه این رویداد تاریخی نیز به درستی تحلیل و ریشه‌یابی نشد و در مواردی مورد سوءاستفاده قرار گرفت و تحلیل ابزاری شد.

با مقایسه وهم دستاوردهای اقتصادی انقلاب اسلامی ایران با ملی شدن صنعت نفت، این فرضیه ثابت می‌شود که انقلاب اسلامی در حوزه اقتصادی «بی‌نهایت فرصت ثروت‌سازی» را برای ملت ایران به ارمغان آورد که در زمینه‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری قابل تحلیل است اما این دستاوردها به هیچ‌وجه تاکنون به درستی و به دقت تحلیل نشده است.

از واقعیت‌ها می‌توان غفلت کرد ولی نمی‌توان آنها را حذف کرد و غفلت ما دلیل نبود این واقعیت‌ها نیست. با این واقعیت‌ها می‌توان راه توسعه را یافت و به پیشرفت، رشد و بالندگی رسید.

با ملی شدن صنعت نفت فروش آن در صورت استخراج در اختیار دولت قرار گرفت اما با پیروزی انقلاب اسلامی شکوهمند ایران، تمامیت اقتصاد سیاسی کشور در واقع

به همین خاطر می‌توان فرضیه «خلق بی‌نهایت فرصت اقتصادی» را در پرتو پیروزی انقلاب اسلامی ایران ثابت کرد.

این فرصت‌ها در مختصات هندسی چهارگانه «طول، عرض، عمق و فضا» در بخش‌های صنعتی و کشاورزی و خدماتی و در دو بعد سخت‌افزاری (فیزیکی) و نرم‌افزاری (انسانی و علمی) و همچنین مدیریت و قدرت تصمیم‌سازی قابل و شایسته ارزیابی، تحلیل، نتیجه‌گیری، تئوری‌سازی و برنامه‌سازی است و با احتساب هر مورد به تعداد زیادی از زیربخش‌های اقتصادی، فرضیه بی‌نهایت فرصت اقتصادی قابل تبیین است.

مقایسه اقتصاد سیاسی ایران با اقتصاد سیاسی ونزوئلا در حوزه نفت و برخوردهای امریکا با این کشور نشان می‌دهد که دولت هوگوچاوز به دلیل تأکید بر استقلال نسبی ضعیفی در مدیریت منابع نفتی و سیاستگذاری اقتصادی نمی‌تواند موفق باشد و تحت سیطره غیرمستقیم واشنگتن قرار دارد اما اقتصاد سیاسی ایران نه فقط از این سیطره نجات یافت بلکه با تأکید بر حرکت و نهضت هوشمند و هدفمند شهروندان خود، عالی‌ترین سطح استقلال اقتصادی را بهره‌می‌برد و خوشبختانه این نعمت بی‌نهایت فرصت توسعه و پیشرفت را هم برای شهروندان و هم برای اقتصاد سیاسی ایران فراهم کرده است.

اما آیا داشتن فرصت دلیل بر توسعه است؟

پایه‌ریزی اقتصاد مبنی بر قوانین اسلام یکی از دستاوردهای مهم انقلاب اسلامی است. در رژیم گذشته از آن جا که اعتقاد جدی به اسلام و قوانین و مقررات شرعی وجود نداشت. لذا در قلمرو حوزه اقتصادی نیز همانند سایر حوزه‌های سیاست‌ها و جهت‌گیری‌ها و قواعد و مقررات آن خارج از ضوابط شرعی و اسلامی بود. اصولاً رژیم طاغوت در حوزه‌های اقتصادی برای دین، نقش و جایگاهی قایل نبود. اما حضرت امام خمینی (ره) همیشه با ردّ مکاتب اقتصادی غیراسلامی به ویژه دو مکتب برجسته سرمایه‌داری و کمونیستی، بر حاکمیت بخشیدن به اقتصاد مبتنی بر اسلام تأکید می‌کردند. که خوشبختانه امروزه در موارد متعددی تحقق یافته است.

حمایت از اقشار محروم و مستضعف جامعه، مقابله با فساد مالی و اقتصادی و

حمایت از تولیدات داخلی از رویکردهای هوشمند و هدفمند اقتصاد ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی است به داشتن فرصت و امکانات، زیربنایی‌ترین و اساسی‌ترین نیاز پیشرفت و توسعه و آغاز تحول در فرایندها و روندهای اقتصادی، ثروت‌سازی و استخراج ارزش افزوده اقتصادی است.

در صورت خلق فرصت‌های پایدار، قدرت برنامه‌ریزی و مدیریت ثروت‌سازی افزایش می‌یابد و هدفگذاری برنامه‌های توسعه مختلف‌المدت با اطمینان و اعتماد همراه خواهد شد.

نتایج و دستاوردهای انقلاب اسلامی در حوزه اقتصادی و عمرانی نشان می‌دهد که در مواردی بیش از ۲۵ برابر پیشرفت حاصل شده است محرومیت‌زدایی از مناطق روستایی در اولویت قرار گرفته و در حوزه کشاورزی میزان تولید محصولات کشاورزی تا بیش از ۷۰ میلیون تن رسیده است که تا ۲۰۰ میلیون تن نیز قابل افزایش است.

تولیدات محصولات باغی از ۴،۹ میلیون تن در سال ۱۳۶۰ به ۱۳،۲ میلیون تن رسیده است.

در ۱۰ سال آینده میزان تولید محصولات باقی به ۲۰ میلیون تن خواهد رسید.

در حوزه صنعت و معدن نیز اول قدرت مدیریت و برنامه‌ریزی برای «استخراج و فراوری، اکتشاف منابع جدید در اختیار ایرانی‌ها قرار گرفت و کشورمان امروزه صاحب استراتژی توسعه صنعتی شده است. صنعت کشور از ویژگی مونتاژ یکجانبه رها شد و امروزه در خیلی از صنایع به ویژه صنایع هوا و فضا، خودرو، فولاد، مصالح ساختمانی، سدسازی صنایع دارای فناوری بالا، نفت، گاز، پتروشیمی، کشاورزی، کشتی‌سازی، از توان و قدرت جاذبه خوبی برخوردار است.

در زمینه ارتباطات، زیربنای مخابراتی موردنیاز تا ۱۰ سال آینده از هم اکنون ایجاد شده است.

گسترش دانشگاه‌ها و افزایش ضریب فارغ‌التحصیلی شهروندان ایرانی از دانشگاه‌ها اعتماد به نفس ملی و امکانات بالقوه و بالفعل را در اختیار اقتصاد سیاسی کشورمان قرار داده شد.

امروزه با قاطعیت می‌توان گفت که اقتصاد ایران در مرحله خیز و رسیدن به درجات

بالاتری از توسعه یافتگی اقتصادی قرار دارد.

پیمایش سرزمینی اقتصاد ایران نشان می‌دهد که بازارهای پنجگانه اقتصاد کشورمان شامل «پول، سرمایه، کالا کار، رسانه» از ظرفیت‌های بسیار گسترده‌ای برای رشد، بالندگی و پیشرفت برخوردار هستند.

در بازار کار که در سالهای اخیر به اعتقاد عده‌ای از کارشناسان در وضع بحرانی قرار دارد و از سال آینده جدی خواهد شد، به راحتی می‌توان از فرضیه امکان ایجاد ده میلیون فرصت شغلی در کوتاه مدت دفاع کرد.

به راستی اگر هر قطره آب، هر وجب خاک، هر واحد فضا و هر لحظه زمان و هر فرد نیروی انسانی که فرصت برای پیشرفت و استخراج ثروت و ثروتمندی شهروندان هستند به خوبی استفاده شود آیا فرضیه ده میلیون فرصت شغلی موضوعی عجیبی خواهد بود؟

در بازار پول و سرمایه کشور با پیروزی انقلاب اسلامی، مناسبات این دو بازار دگرگون و بر اساس آموزه‌ها و الگوهای نظام بانکداری اسلامی و قانون بانکداری غیر رسوبی متحول شد.

اگر این قانون به‌طور کامل اجرایی شود بدون شک ایران از قویترین و هدفمندترین بازار پول و سرمایه برخوردار خواهد شد و در این صورت «اشتغال کامل» بالای ۹۸ درصد نیروی فعال به یک اصل پایدار و ثابت تبدیل می‌شود.

برای اینکه با حذف نرخ بهره، رفتار بانکها و بازار پول نیز براساس نرخ سود و ریسک سرمایه‌گذاری تنظیم خواهد شد و بازار پول در خدمات بازار سرمایه خواهد بود. البته این مسئله را باید توجه داشت در هیچ اقتصادی داشتن فرصت و امکانات و معادل توسعه یافتگی نیست بلکه احتمال موفقیت و ابزار پیشرفت فراهم می‌کند.

بنابراین توقع تحقق توسعه یکپارچه اقتصادی با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در ابتدای پیروزی این نهضت غیرمنطقی است اما انتظار تلاش هدفمند و هوشمند هم امری اقتصادی و منطقی و هم حق شهروندان ایرانی است.

اقتصاد سیاسی ایران ۸ سال دفاع مقدس و غیرتمند را پشت سر گذاشته و با کمال افتخار هزینه آن را تامین کرده است و سپس از ۱۵ دهه سازندگی و نوسازی نرم‌افزاری و سخت‌افزاری، امکان «خیر اقتصادی» و ورود به مرحله نوین فرایند توسعه

۲۷۴ یافتگی را فراهم کرده است.

بی‌تردید با این امکان و خیز اقتصادی می‌توان «استقلال تمامیت اقتصادی ایران» را به «تمامیت مزیت اقتصادی» تبدیل کرد و این حق شهروندان ایرانی است که از مسئولان اقتصاد سیاسی کشوری تحقق آن را طلب کنند.

بی‌نهایت فرصت اقتصادی ناشی از پیروزی انقلاب اسلامی شکوهمند ایران امروزه نیاز به حفاظت و حراست دارد.

و باید در ربع قرن دوم حیات طیبه انقلاب اسلامی، «بی‌نهایت فرصت اقتصادی» به «بی‌نهایت مزیت اقتصادی» تبدیل شود.

برای تحقق این آرمان و تبدیل این فرصت‌ها به واقعیت‌های اقتصادی بازارهای اقتصادی چهارگانه «پول و سرمایه، کار و کالا» باید وارد فزاینده توسعه هوشمند و هدفمند شوند و به بازاری توسعه یافته تبدیل گردند و این اهداف، قابل تحقق است. اما چه باید کرد؟ بازارهای اقتصادی کار، کالا، پول و سرمایه براساس تقسیم کار وظایف تخصصی شکل گرفته‌اند و هر کدام وظایف سیاست‌های کالاها، خدمات معین، مکمل و مشخص را تهیه و عرضه می‌کنند.

سرنوشت توسعه اقتصادی ایران و تبدیل فرصت‌های اقتصادی انقلاب به مزیت‌های اقتصادی در فرایندهای جهانی به توسعه هوشمند طبیعی (به چهار هوش مصنوعی) بازارهای چهارگانه وابسته است و امروزه با گسترش تبلیغات و نقش رسانه‌ها در تحولات اقتصادی، اقتصاد رسانه‌ها نیز در تحولات و توسعه اقتصادی نقش ایفا می‌کند و باید به توسعه اقتصاد رسانه‌ها نیز توجه کرد.

بازار کار:

بازار کار ایران شامل طرف‌های عرضه و تقاضای خدمات نیروی انسانی فعال و جویای کار است.

اگر همه فرصت‌های اقتصادی کشور در قسمت‌های (نفت و گاز و معادن) کشاورزی، صنعتی، خدماتی فضایی، در سراسر کشور به طور آزمایشی مورد توجه و برنامه‌ریزی قرار گیرد و بازار کار اقتصاد کشور فعال و هوشمند تحول یابد، پیش از ده میلیون فرصت شغلی قابل استخراج است.

امروزه به راحتی می‌توان از فرضیه تقاضای نامحدود نیروی کاری در اقتصاد ۲۷۵ ایران بحث کرد.

تحقق این اهداف و فرضیه‌ها وظیفه بازار کار کشور است.

البته بازار کار کشور به خاطر مشکلات ساختار جوان جمعیت کشور و واردات افسار گسیخته در حال حاضر، با معضلاتی روبروست اما با این فرصت‌ها و خلق مزیت‌ها می‌توان به راحتی این مشکلات را به نعمت‌ها تبدیل کرد.

بازار پول

باتصویب قانون بانکداری بدون ربا بازار پول کشور با انقلاب بانکی و پولی همراه شد. با حذف نرخ بهره، نظام بانکی کشور به اقتصادی‌ترین بازار تبدیل شده است. بازار پول کشور باید علاوه بر متنوع کردن کالاها و خدمات پولی هزینه خرید این خدمات و کالاها را نیز کاهش دهد تا با فراهم کردن هوشمند نقدینگی بخشهای تولیدی به رشد توسعه اقتصادی کشور کمک کند استقلال نسبی بانک مرکزی، مدیریت جامع بازار پول و تشکل‌های پولی و اعتباری غیردولتی، صندوق‌های قرض‌الحسنه و غیره، تفکیک بازار پول و سرمایه، کاهش نرخ سود تسهیلات بانکی، گسترش بانکداری الکترونیکی از مواردی است که به پیشرفت بازار پول کشور کمک می‌کند.

بازار سرمایه

بازار سرمایه یا بورس بازاری است که براساس نرخ سود مورد انتظار سرمایه‌گذاری‌ها و طرح‌های اقتصادی فعالیت رفتار می‌کند.

بازار سرمایه در رقابت مکمل با بازار پول و توسعه تولیدات را هدف‌گیری می‌کند و شاخص توسعه کارایی بازار سرمایه با شاخص رشد و توسعه فعالیت‌های سرمایه‌گذاری و تولیدی ارتباط و همبستگی مستقیم دارد.

گسترش تنوع کمی و کیفی کالا و خدمات سرمایه‌ای و مالی، توسعه جغرافیایی بازار بورس و تفکیک نظام مدیریتی و نظارتی بازار سرمایه از بازار پول و استقلال بازار پول و سرمایه از طرح‌های مهم برای توسعه هدفمند و هوشمند بازار سرمایه است.

بازار کالا و خدمات شامل طرفهای عرضه و تقاضای محصول است.

این بازار به دلیل ۸ سال جنگ تحمیلی و تحریمهای اقتصادی تاکنون نتوانسته است از ظرفیت‌های خود بهره‌برداری کند.

و تاکنون گرفتار نرخ تورم دو رقمی و نرخ رشد پایین بوده است.

اما اگر رشد تولید بر رشد نقدینگی پیشی بگیرد نرخ تورم را می‌توان حتی منفی کرد. اگر بازارهای کالا، پول و سرمایه در خدمات توسعه اقتصادی و تولید باشند بدون شک با رشد دو رقمی تولید ملی و داخلی، نرخ تورم کاهش می‌یابد با هدفمند شدن بازار کالا متناسب با زمان و مکان عرضه کالاها و خدمات و تقاضای آنها، تولیدات اقتصادی نیز هدفمند خواهد شد و بستر برای تولید مزیت محور و جهان تراز ایجاد می‌شود.

کارایی، هوشمندی و هدفمندی، بازارهای پول، سرمایه، کالا و کار مقدمه و پیش‌نیاز تبدیل بی‌نهایت فرصت اقتصادی انقلاب «بی‌نهایت خلق مزیت اقتصادی» در ربع قرن دوم انقلاب، برنامه چهارم و چشم‌انداز ۲۰ ساله است.

برخی منابع مورد استفاده:

۱. ملکب، بهنام. اقتصاد سیاسی ایران، انتشارات نورعلم و قانون، ۱۳۸۲.
۲. گزارش اقتصادی سالهای مختلف، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
۳. بررسی عملکرد اقتصادی بخشهای صنعتی، کشاورزی و خدماتی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی سالهای مختلف
۴. بررسی عملکرد دولت سازندگی، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، شمس‌الدین حسینی و دکتر میرزاد، ۱۳۷۸.
۵. عملکرد سال نهضت خدمت‌رسانی منتشر شده از سوی سازمانهای مختلف در سال ۱۳۸۲.
۶. سالنامه آماری مرکز آمار ایران ۱۳۸۱.
۷. اخبار و برنامه‌های دریافتی از خبرگزاریها، رسانه‌های دیداری و شنیداری به مناسبت بیست و پنجمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، بهمن ۱۳۸۲.